**نویسنده­ی اول و مسئول:** دکتر ادهم ضرغام\*، دانشیار، عضو هیئت علمی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، azargham@ut.ac.ir، 09123841958

الناز دستیاری، دانشجوی دکتری رشته‌ی پژوهش هنر، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه، e.dastyari@gmail.com، 09128135284

**واکاوی مضامین اُخروی در تابلو صحرای محشر اثر محمد مدبر**

**چکیده**

هنرمندانی که با توجه به موضوعات قرآنی کار می‌کنند؛ ایمان، اعتقادات و باورهای قلبی خود را سرچشمه‌ی ایجاد اثر هنری قرار می‌دهند. نقاشی قهوه‌خانه‌ای از جمله‌ی هنرهایی است که می‌توان در این زمینه به آن اشاره کرد. چنانچه از بررسی آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای برمی‌آید؛ همواره می‌توان جلوه‌ای از موضوعات مذهبی را در آثار این نقاشان پیگیری کرد. در این راستا، پژوهش حاضر با این سوال روبه‌رو می‌باشد که مضامین اُخروی چگونه در تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر، از پیشکسوتان نقاشی قهوه‌خانه‌ای، قابل پیگیری می‌باشند؟ روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات به صورت کتابخانه­ای جمع­آوری و فیش‌برداری و در جهت پاسخگویی به سؤال پژوهش ساماندهی­شده­اند. در این تابلو می‌توان بازتاب موضوعات اُخروی را تشخیص داد و از جمله می‌توان به ورود حضرت زهرا (س) به صحرای محشر، بهشت، دست بریده‌ی حضرت عباس (ع)، شهیدان کربلا، فرشتگان، مار غاشیه، زنده‌شدن مردگان، میزان عدل، ربا خواران و نامه اعمال اشاره کرد.

**واژگان کلیدی:** نقاشی قهوه‌خانه‌ای، مضامین اُخروی، صحرای محشر، محمد مدبر

**مقدمه**

یکی از جلوه‌های هنر شیعی در ایران را می‌توان در نقاشی قهوه‌خانه‌ای مشاهده کرد. این نوع نقاشی که به دست هنرمندان مکتب‌ندیده ‌بوجود آمده‌است؛ نشان‌دهنده و بیانگر روحیه‌ی ظلم‌ستیزی و طرفداری از نیروهای خیر می‌باشد. این موارد، برآمده از آموزه‌های دینی می‌باشند که در نقاشی قهوه‌خانه‌ای تجلی یافته و بازتاب تفکر شیعه را در این آثار نشان می‌دهد. رجبی اشاره می‌کند که این نوع نقاشی در دوره‌ی آل‌بویه شکل‌گرفته و در دوره‌ی صفویه مجدد مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین با توقفی حدوداً سیصد ساله در دوران قاجار ظاهر می‌شود (رجبی، 1384: 51). نقاشی قهوه‌خانه‌ای نشانگر بارزترین جلوه‌های هنر مردمی در ایران است که هنرمندان آن موفق شده‌اند؛ با بیانی صریح و توانا با مخاطبان خود که اغلب مردم کوچه و بازار بودند؛ ارتباط برقرار کنند. اغلب نقاشان قهوه‌خانه‌ای به موضوعاتی همچون شاهنامه‌ی فردوسی، قصص قرآن و وقایع کربلا پرداخته‌اند و این موضوعات را چنانچه از زبان مرشدان و نقالان روایت می‌شد؛ به تصویر کشیده‌اند. در واقع این هنر، برآمده از اعتقادات مردم بود و نقاش نیز تلاش می‌‌کرد که بیشترین تأثیر را بر روی مخاطبان بگذارد. از آن‌جائیکه این هنر با باورهای مردم در ارتباط می‌باشد؛ برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر، نقاش از قراردادهای تصویری مشخصی برای انتقال موضوع استفاده کرده و به موضوعات ذکر شده، پرداخته‌است. از جمله موضوعات مورد توجه در این نقاشی‌ها؛ موضوعات مذهبی و مضامین برآمده از قرآن کریم می‌باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که بازتاب مضامین اُخروی چگونه در تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر، قابل بررسی می‌باشد؟ پژوهش حاضر می‌کوشد؛ به واکاوی این مضامین در نقاشی قهوه‌خانه‌ای بپردازد و در این راستا تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر یکی از پیشگامان نقاشی قهوه‌خانه‌ای را مورد توجه قرار می‌‌دهد. پرداختن به موضوعاتی از این قبیل از آن روی ضروری می‌نماید‌ که علاوه بر احیاء این آثار، مفاهیم بلند مرتبه‌ی قرآن کریم را نشر می‌دهد. همواره در ایران، هنرهای تجسمی ارتباطی تنگاتنگ با هنر دینی و مذهبی داشته و توجه به امر ضروری می‌باشد که ایمان، اخلاص، تواضع و رضای خداوند متعال، ملاک کار این هنرمندان است.

**روش تحقیق**

 روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می­باشد و اطلاعات به صورت کتابخانه­ای جمع­آوری و فیش‌برداری و در جهت پاسخگویی به سؤال پژوهش ساماندهی­شده­اند.

**پیشینه**

در کتاب‌هایی که به نقاشی ایران می‌پردازند؛ می‌توان قسمت‌هایی را در مورد نقاشی قهوه‌خانه‌ای مشاهده کرد. از جمله‌ی این کتاب‌ها می‌توان به کتاب «نقاشی ایران از دیرباز تا امروز»، نوشته‌ی روئین پاکباز (1390)، اشارکرد. پاکباز در این کتاب به نقاشی قهوه‌خانه‌ای به عنوان یکی از جریان‌های نقاشی دوران معاصر می‌پردازد. کتاب «نقاشی قهوه­خانه» نوشته‌ی هادی سیف (1369) به طور کلی به نقاشی و نقاشان قهوه‌خانه‌ای اختصاص دارد. همچنین کتاب «نقاشی قهوه‌خانه گزیدة مقالات و گفت‌وگو» عنوان کتابی به اهتمام امیر عبدالحسینی و محمد حسن حامدی (1399)، می‌باشد که مجموعه‌ی مقالات گردآوری شده در این کتاب می‌تواند؛ راهگشا باشد. علاوه بر کتاب‌های ذکر شده، پژوهش‌هایی نیز در این‌باره انجام شده‌است؛ در مقاله‌ی «تأملی بر پرچم‌های حاوی نوشتار دینی در نگارگری و نقاشی قهوه‌خانه‌ای» اثر هادی بابائی فلاح (1393)، پرچم‌های حاوی نوشتار دینی در نگارگری و نقاشی قهوه‌خانه‌ای مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌است. مقاله‌ی «تعزیه روی بوم؛ گفتاری پیرامون نقاشی قهوه‌خانه‌ای»، مصاحبه‌ای با کاظم چلیپا می‌باشد که توسط یحیی شعبانی انجام شده‌است. در مقاله‌ی «تأملاتي درباره موضوعات ملي و مذهبي در نقاشي قهوه­خانه­اي»، به قلم کاظم چليپا، مصطفي گودرزي و علي­اصغر شيرازي (1390)، به جنبه‌های مذهبی آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای اشاره شده و مواردی همچون وجوه مشترک شخصیت‌ها در موضوعات ملی و مذهبی، مورد توجه قرار گرفته‌است. همچنین در این مقاله، به مواردی چون پاسخگویی به نیازهای ملی و پاسخگویی به علائق اسلامی و قرآنی با بهره‌گیری از ویژگی‌های اسلامی و ادبیات، پرداخته شده‌است. علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده می‌توان به مقاله­ی «نقش خیر و شر در شخصیت­های آثار حسین قوللر آغاسی» نوشته‌ی فرناز گروئیایی و ادهم ضرغام (1393) و دو مقاله‌ی «خوانش دو اثر نقاشی قهوه­خانه­ای با موضوع مصیبت کربلا بر اساس نظریه‌ی شمایل‌شناسی اروین پانوفسکی» در سال (1398) و مقاله‌ی «امکان‌سنجی خوانش آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای با تأکید بر نظریه‌ی بیانی هنر» نوشته‌ی ادهم ضرغام و الناز دستیاری اشاره کرد. همچنین مقالات «بررسي ترسيمات پيکرنما مضامين اُخروي در هنر اسلامي ايران» نوشته‌ی نجيبه رحماني، فتانه محمودي و همايون حاج محمدحسيني (1395) و «بررسی تأثیر نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با موضوعات مذهبی بر روی باورهای عامه مردم» نوشته‌ی زهرا حسین‌آبادی و مرضیه محمدپور (1394) و مقاله‌ی «مقایسه ساختاری پرده روز محشر اثر محمد مدبر و فرسک داوری واپسین اثر میکل آنژ» نوشته‌ی سعید چاواری (1388)، از جمله مقالاتی می‌باشند که به پرده‌ی صحرای محشر می‌پردازند.

**هنر از منظر قرآن کریم**

در قرآن کریم اشاراتی به شعر و شاعری شده‌است و اینگونه به نظر می‌رسد که امکان تسری آن‌ها به سایر رشته‌های هنری نیز وجود دارد. در واقع می‌توان گفت؛ تمرکز اصلی بر انسان و یا به عبارتی هنرمند است که زمینه‌ساز ظهور خاصی از هنر می‌باشد. در مقاله‌ی "معنی هنر و صفات هنرمند از منظر قرآن کریم"، آورده شده که با اتکاء به تعالیم قرآن کریم، می‌توان دو ویژگی اساسی ذکر کثیر و الهام الهی را برای هنر و هنرمند ذکر کرد. در سوره‌ی مبارکه‌ی شعرا، به موضوع شعر و شاعران اشاره شده‌است. در این آیات، شعرا افرادی می‌باشند که موجب گمراهی مردم می‌شوند؛ اما استثنائاتی نیز وجود دارد؛ در مورد کسانی که با ایمان و نیکوکار می‌باشند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. در واقع شعر این افراد، یاد و ذکر خداوند متعال می‌باشد. در این سوره‌ی مبارکه، (شعرا آیات، 224-227) از اهمیت با ایمان بودن و صالح بودن یاد شده‌است و همچنین آورده شده‌ که در پناه ایمان، عمل صالح و ذکر کثیر می‌توان از گمراهی دوری جست. ایمان و عمل صالح از پیروی باطل جلوگیری می‌کند و ذکر کثیر موجب می‌شود که انسان همواره به یاد خدا باشد و به سوی حق برود و از باطل رویگردان باشد. بدین ترتیب، هنرمندان باید افرادی مومن و با ایمان باشند و اگر غیر از این باشد و گرفتار شیطان و هوای نفسانی باشند؛ آثارشان نیز گمراه‌کننده می‌شود و موجباب غفلت از یاد خداوند را فراهم‌آورده و انسان را به وادی پوچی می‌کشانند. در واقع هنر الهی هنری حکیمانه، هدایت‌گر و یادآور آیات و ارزش‌های الهی می‌باشد. هنر الهی بیدارکننده و آگاهی‌بخش است؛ حال آنکه هنر گرفتار هوای نفس، اغواکننده و اسیرکننده می‌باشد. الهام الهی را نیز می‌توان از جمله ویژگی‌های مهم و اساسی برشمرد. با ایمان و اخلاص در راه خداوند متعال، لطف و هدایت الهی شامل حال انسان شده و قلب انسان مالامال از الهام الهی می‌گردد. اما هنری که از راه خداوند روی‌گردان باشد، چیزی جز تلقینات و القائات شیطانی نیست (نقی‌زاده، 1391: 16-18). افکار و اعمال انسان در باورهای او و به تبع آن شکل‌گیری شخصیت و آثار او تأثیرگذارند. باورهای انسان در جهت‌دهی و شکل‌گیری آثارش نقشی مهم و تأثیرگذار ایفا می‌کنند. تفکر دینی به عنوان نوعی جهان‌بینی و راه و روشی برای زندگی، فضایی را برای هنرمندان ایجاد می‌کند که عالی‌ترین مضامین معنوی و انسانی را به منصه ظهور برسانند.

**نقاشی قهوه‌خانه‌ای**

پژوهشگران سابقه‌ی نقاشی عامیانه‌ی مذهبی در ایران را عهد صفویان درنظر می‌گیرند. در این میان نقاشی قهوه‌خانه‌ای جریانی جدیدتر از پرده‌کشی، دیوارنگاری بقاع متبرکه، نقاشی پشت شیشه با مضمون مذهبی و... می‌باشد. (پاکباز، 1394: 201). نقاشان قهوه‌خانه‌ای، باورهای ملی و مذهبی را مرتبط با فرهنگ عامه‌ی مردم روایت می‌کردند. موضوعات این نقاشی‌ها شامل داستان‌های شاهنامه فردوسی، قصص قرآن، وقایع کربلا و مواردی از این دست می‌شود. در واقع نقاشان قهوه‌خانه‌ای موضوعات ذکر شده را همانگونه که در اذهان مردم موجود بود و مطابق با روایت نقال، تغزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان، به تصویر می‌کشیدند. تعالی اندیشه­های آزادیخواهانه‌ی هنرهای مردمی، همزمان با جنبش مشروطه رونق می‌گیرد و مداحان و نقالان نقش پررنگی در این امر دارند. در کتاب "حسن اسمعیل‌زاده نقاش مکتب قهوه‌خانه‌ای" اشاره شده که در دوره‌ی قاجار مهم‌ترین آثار نقاشی قهوه­خانه­ای شکل­گرفت. به واسطه‌ی رواج تعزیه، هنرهایی همچون شعر و موسیقی نیز فعال شد و بر نقاشی پرده­های مذهبی و تابلوهای عاشورایی تأثیر گذاشت (چلیپا و رجبی 1385). قهوه‌خانه‌ به عنوان خاستگاه این نوع نقاشی در نظر گرفته می‌شود و نخستین سفارش‌دهندگان آن‌ها نیز صاحبان قهوه‌خانه‌ها بودند. نقاشان قهوه‌خانه‌ای معمولاً مشاغل دیگری مانند کاشی‌سازی، گچبری، نقاشی ساختمان و ... داشتند. در واقع نقاشان قهوه‌خانه‌ای نقاشان مکتب‌ندیده‌ای می‌باشند که از طریق تجربی و به واسطه‌ی ایمان و علاقه‌ای که داشتند؛ نقاشی را آموخته بودند. از جمله اهداف نقاشان قهوه‌خانه‌ای سادگی، صراحت و تأثیرگذاری بر مخاطب می‌باشد. در این راستا، می‌توان به جانب‌داری نقاشان قهوه‌خانه‌ای از نیروهای خیر و قراردادهای تصویری معینی که برای تأکید بر این امر استفاده می‌کنند؛ اشاره کرد. نقاشان قهوه‌خانه‌ای از قراردادهای مشخصی جهت نشان‌دادن انگیزه‌های اخلاقی و عقیدتی خود استفاده می‌کند (پاکباز، 1394: 1517).

 نقالی رویدادی است در قالب داستان، که نقال به منظور سرگرم­کردن و جذب تماشاگران و تاثیرگذاشتن بر آنان از طریق هنر روایتگری خود تعریف می­کند. شکل ساختاری نقالی، هنر اجرایی نقال می­باشد که اساس لذت هنری و رابطه­ی خلاقه­ی او و تماشاگر است. جنبه­های آموزشی نقالی بازتاب منطقی اندیشه­های فلسفی و اخلاقی زمانه در اثر است (نجم،1390).نقاش این موضوع‌ها را مطابق با شرحی که از زبان نقال، تغزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان می‌شنید و همانگونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود داشت، به‌ تصویر می‌کشید.

محترم­شمردن ﺍﺳﺘﺎﺩان و پیشکسوتان ﻳﮑﻲ ﺍﺯ ﺍﺭﮐﺎﻥ ﺣﻴﺎﺗﻲ ﺁﻣﻮﺯﺵ ﺳﻨﺘﻲ ﺑﻮﺩﻩ­ﺍﺳﺖ. همواره ﺩﺭ ﮐﻨﺎﺭ آموزش مهارت ﭘﺮﻭﺭﺵ ﺍﺳﺘﻌﺪﺍﺩﻫﺎ ﻭ ﻓﻀﺎﻳﻞ ﺍﺧﻼﻗﻲ ﻧﻴﺰ مهم ﺑﻮﺩه ﻭ ﻫﻤﻴﻦ امر ﻣﻮﺟب تربیت هنرمند در بستری از ﺍﺻﻮﻝ ﻭ ﺍﻋﺘﻘﺎﺩﺍﺕ ﻣﻲ­ﺷﺪ. در کتاب "نقاشی قهوه­خانه­ای" پاسخ قوللر آغاسی به محمد مدبر که اعتقاد داشت؛ اینهمه ظرافت و تزئین به کار لطمه می­زند؛ چنین نقل شده­است: «... اگر این خون‌دل خوردن­های من نباشد، اگر من چشم­هایم را روی این نقش­ها نگذارم فردای عمر که این تابلو از مملکت رفت بیرون، اجنبی­ها از کجا بفهمند که این کار یک نقاش ایرانی است؟ ما فلک­زده­ها چقدر باید مقلد باشیم؟ اینها حکم حفظ سند هنر ما را دارد؛ اگر زشت بود که در مسجد خدا به کار نمی‌رفت... » (سیف، 1369: 32). چنانچه از این نقل­قول­ها برمی­آید نقاشان قهوه­خانه­ای همواره در حفظ هنر پیشینیان خود می‌کوشیده­اند و گویی به صورت آگاهانه در پی حفظ و حراست از آن بوده­اند.

**محمد مدبر**

محمد مدبر از پیشگامان نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌باشد. آثار او عمدتاً موضوعات دینی را دربرمی‌گرفت. او در هفت سالگی یتیم شد. محمد مدبر در همان سنین کودکی در تعزیه‌خوانی‌های تکیه‌ی دولت، به نقش طفلان مسلم درمی‌آمد. او در سنین ده-دوازده سالگی شاگرد علی‌رضا قوللر شد و در کارگاه کاشی‌سازی او، پسرش حسین را دید. استاد محمد مدبر را دومین بنیان‌گذار نقاشی قهوه‌خانه‌ای درنظر می‌گیرند. او علاوه بر تصویرکردن وقایع کربلا و حماسه‌های مذهبی، اغلب با صدای خوش نوحه می‌خواند و گویی آنچه را می‌خواند؛ به تصویر می‌کشید (چلیپا، گودرزی و شیرازی، 1390: 71) از او نقل شده: «من عمری در کربلا زندگی کرده‌ام، اگرچه هرگز پایم به خاک داغ کربلا نرسیده اما من کربلایی هستم» (همان). پاکباز معتقد است که محمد مدبر در القای احساس قهرمانی و مصیبت در آثارش موفق‌تر از حسین قوللر آقاسی**[[1]](#endnote-1)** عمل کرده‌است (پاکباز، 1394: 1358).

**بازتاب اندیشه‌های شیعی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای**

یکی از اشتراکات نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای، توجه به موضوعات مذهبی و ملی می‌باشد. در مقاله‌ی "تأملاتی درباره موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای" اشاره شده که در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای این دو موضوع با ظرافت هرچه تمام‌تر به یکدیگر نزدیک شده‌اند. و این امر چنان انجام شده که شاید به سختی بتوان این دو را از هم جدا کرد و در سرفصلی جداگانه قرار داد. دلیل این امر را نیز می‌توان آرمان‌های مشترک قهرمانان و پهلوانان ملی و مذهبی درنظر گرفت ( چلیپا، گودرزی و شیرازی، 1390: 75).

از جمله بارزترین ویژگی‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای این است که توانسته توجه مخاطبانش را که اغلب از مردم کوچه و بازار بودند؛ جلب کند و اعتقادات قلبی خود را با آن‌ها در میان بگذارد. رجبی اشاره می‌کند: «نقاش خیالی‌نگار ایرانی به جز رضایت خلق و خالق به چیز دیگری نمی‌اندیشد؛ زندگی فقیرانه و ساده و بی‌تکلف او گواه این مدعاست» (رجبی، 1384: 51).

**صحرای محشر**

بنا بر آموزه‌های اسلام، قیامت روزی است که تمامی انسان‌ها به اراده‌ی خداوند متعال برای حساب‌رسی در پیشگاه خدا حاضر می‌شوند. پیش از قیامت، تغییراتی در آسمان و زمین روی می‌دهد. همچنین در قرآن تأکید شده‌ که زمان قیامت تنها بر خدا معلوم است. براساس آیات قرآن کریم، مردگان در روز قیامت به اذن و قدرت خداوند متعال زنده می‌شوند و برای حساب‌رسی در صحرای محشر جمع می‌شوند. بر اساس آیات قرآن کریم آسمان و زمین در این زمان تغییر می‌کند.

یوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیرَ الْأَرْضِ وَ السَّموَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَحِدِ الْقَهَّارِ

روزی زمین را (به امر خدا) به غیر زمین مبدل کنند و هم آسمان‌ها را (دگرگون سازند) و تمام خلق در پیشگاه حکم خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند (ابراهیم 48)

در قرآن کریم چگونگی زنده‌شدن انسان‌ها در این روز بیان شده‌است. با دمیده‌شدن در صور اصرافیل تمام بندگان به جز کسانی که خداوند بخواهد؛ می‌میرند و هنگامی که بار دیگر در صور دمیده شود؛ زنده می‌شوند و به اعمال آنان رسیدگی می‌شود.

وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ إِلاَّ مَنْ شاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فیهِ أُخْری فَإِذا هُمْ قِیامٌ ینْظُرُون

و صیحه‌ی صوراسرافیل بدمند تا جز آنکه خدا بقای او خواسته دیگر هرکه در آسمان‌ها و زمین است همه مدهوش مرگ شوند آنگاه صیحه‌ی دیگری در آن دمیده شود که ناگاه خلائق همه (از خواب مرگ) برخیزند و نظاره (واقعه‌ی محشر) کنند (الزمر 68)

در روز قیامت اعمال انسان را با پیامبران، امامان و صالحان می‌سنجند و هر کسی که اعمالش با ایشان شباهت بیشتری داشته ‌باشد؛ سعادتمند می‌باشد. از رخدادهای قیامت می‌توان به زنده‌شدن انسان‌ها اشاره‌کرد. همچنین در قیامت اعمال انسان مورد حساب قرار می‌گیرد. این اعمال در نامه‌ی اعمال ثبت می‌شود و تا حدی دقیق است که هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند.[[2]](#endnote-2) براساس آیات قرآن کریم، نامه‌ی اعمال نیکوکاران به دست راست آن‌ها و نامه‌ی اعمال گناهکاران را به دست چپ می‌دهند. در روز قیامت هنگامی که انسان‌ها برای حساب‌رسی حاضر می‌شوند؛ علاوه بر نامه‌ی اعمال، گواهان دیگری نیز وجود دارد که بر اعمال انسان‌ها شهادت می‌دهند. از جمله‌ی این شاهدان، خداوند متعال، پیامبران، امامان معصوم و فرشتگان می‌باشند. همچنین در روز قیامت، با وسیله‌ی خاصی اعمال انسان را می‌سنجند. مقصود از این سنجش، قیاس اعمال هر فرد با یک الگو و میزان است. بنا بر روایات، منظور از میزان اعمال پیامبران، امامان و افراد صالح است. تا هر میزان که اعمال انسان‌ با اعمال ایشان شبیه باشد؛ سعادتمند می‌شوند (حسینی طهرانی، 1384، 157).

**تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر**

تابلوی صحرای محشر، اثری از محمد مدبر می‌باشد که در آن مضامین اُخروی به تصویر کشیده‌ شده‌است. تصویر شماره‌1. در این اثر عناصر در تمام سطح تصویر پخش شده‌اند و عملاً جای خالی در اثر به چشم نمی‌خورد. هرچند که این ویژگی در آثار دیگر این هنرمند و آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای وجود دارد؛ اما به‌کارگیری این ویژگی در این اثر، یادآور این مورد است که در مقاله‌ی "قیامت در قرآن" آورده شده‌؛ در قیامت مردم مانند پروانه‌های پراکنده می‌شوند و گویی متوجه نیستند که به کجا حرکت می‌کنند (مطهری، 1360: 47). در پائین و سمت چپ نقاش مار غاشیه را به تصویر کشیده‌است که به واسطه‌ی درنظرگرفتن فضایی با پسزمینه‌ی سیاه در اطراف آن، یک منحنی ایجاد شده و تکرار این منحنی در بقیه‌ی اثر نیز به چشم ‌می‌خورد. به‌کارگیری رنگ تیره در پسزمینه‌ی این منحنی و ایجاد کنتراست به واسطه‌ی قرارگیری عناصر بصری روشن‌تر، موجب جلب توجه بیننده می‌شود. در این قسمت علاوه بر انسان‌ها، به شعله‌های آتش نیز اشاره شده‌است. نوری اشاره می‌کند که آتش جهنم، آتشی خاص است که نه گنهکاران را می‌سوزاند که بمیرند و راحت شوند و نه زندگانی هستند که بتوانند زندگی کنند (نوری، 1370: 22). همچنین در بالای اثر سمت چپ، هنرمند بهشت را کار کرده‌ که با عنصری ستون مانند، از بقیه‌ی ترکیب‌بندی جدا شده‌است. رنگ‌های غالب در این اثر، رنگ‌های قهوه‌ای اکر، سفید، سبز و آبی می‌باشند. در کتاب "نقاشی قهوه‌خانه گزیده‌‌ی مقالات و گفت‌وگوها" آورده شده که هر رنگی برای نقاشان قهوه‌خانه‌ای حرمت داشت. آنان چهره‌های انبیاء را روشن و پر نور تصویر می‌کردند؛ حال آنکه چهره‌ی اشقیاء معمولاً به صورت تیره تصویر شده‌است (عبدالحسینی و حامدی، 1399: 111). در دوران قاجار، موضوع قیامت در ابعاد بزرگ در حوزه‌ی نقاشی قهوه‌خانه‌ای به تصویر کشیده شده‌است. تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر که به عنوان نقاش مذهبی قهوه‌خانه‌ای شناخته می‌شود؛ این واقعه را با حضور شخصیت‌های مختلف و با توجه به روایات مذهبی نشان می‌دهد. جدول شماره‌ی1.



تصویر شماره‌ی1: صحرای محشر، محمد مدبر (سیف، 1369: 126)

در پایین اثر سمت چپ، نقاش مار غاشیه را به تصویر کشیده‌است. چنانچه در "اطیب البیان فی التفسیر القرآن" اشاره شده؛ مار غاشیه، مار قیامت است که در جهنم می‌باشد و ملائکه عذاب او را با زنجیر به صحرای کربلا می‌آورند و به فرمان خداوند گناهکاران را شکنجه می‌کند. چنانچه از توصیفات این مار برمی‌آید؛ آتش از دهان این مار بیرون می‌زند و کافران را می‌بلعد (طیب، 1386: 3781). محمد مدبر این مار را در سمت پائین و چپ نشان داده؛ در حالیکه دهانش را باز کرده و گنهکاران را می‌بلعد. شکل این مار در این اثر، بی شباهت به اسلیمی نیست. اگرچه نقاش مار غاشیه را به عنوان جلوه‌ای از عذاب گنهکاران انتخاب کرده‌است؛ اما جلوتر کسانی همچون فرعون، نمرود و شهداد را درحال شکنجه و عذاب نشان داده‌است. در بالای این قسمت، سمت بالا و چپ، نقاش بهشت را نشان داده‌است. این بخش از اثر مدبر با عناصری همچون ستون از بقیه‌ی ترکیب‌بندی جدا شده‌است. محمد مدبر در این بخش، امام حسین (ع) و حر بن ریاحیرا به تصویر کشیده‌است. در این قسمت تأثیراتی از دورنماسازی و تکنیک‌های غربی دیده‌ می‌شود و علاوه بر حجم‌پردازی، تا حدی به دورنماسازی و پرسپکتیو نیز توجه شده‌است. یکی از تفاوت‌های سبک محمد مدبر و حسین قوللر آقاسی، در توجه به طبیعی‌سازی و حجم‌پردازی در آثار محمد مدبر می‌باشد.

نقاش در سمت راست و بالای اثر، حضرت فاطمه (س) را تصویر کرده‌است. در این مورد در "بحارالانوار" آمده که در روز قیامت حضرت فاطمه(س) سوار بر ناقه‌ای بهشتی در حالیکه ملائکه او را احاطه کرده‌اند؛ او را به محشر می‌آورند (مجلسی، 1362: 219). در این تابلو، محمد مدبر حضرت فاطمه (س) را در حال ورود به صحرای محشر نشان داده‌ و در جلوی ایشان دست بریده‌‌ی حضرت عباس (ع) و شهیدان کربلا را به تصویر کشیده‌است. در قسمت میانی اثر پیغمبران نشان داده‌شده‌اند. چنانچه پیشتر ذکر شد؛ پیامبران امامان و صالحان بر اعمال انسان‌ها گواهی می‌دهند و اعمال ایشان معیاری برای سنجش اعمال انسان‌هاست. در پایین‌ترین قسمت در سمت راست، نقاش لحظه‌ی زنده‌شدن مردگان را در حالیکه کفن پوشیده‌اند، تصویر کرده‌است. جلوتر و در میانه‌های تابلو در قسمت پائین، فرشته‌ای ملبس به لباس سبز دیده می‌شود که در کنارش میزان عدل نوشته شده‌است. در سمت چپ این فرشته، نقاش رباخواران را با شکم‌های برآمده نشان داده‌است.

جدول شماره‌ی 1: بازتاب مضامین اخروی در تابلو صحرای محشر محمد مدبر (مأخذ: نگارندگان)

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| ورود حضرت زهرا(س) به صحرای محشر |  | مار غاشیه |  |
| بهشت |  | زنده‌شدن مردگان  |  |
| دست بریده‌ی حضرت عباس (ع) |  | میزان عدل |  |
| شهیدان کربلا |  | ربا خواران |  |
| فرشتگان  |  | نامه‌ی اعمال |  |

**نتیجه‌گیری**

پرداختن به موضوعات برآمده از قرآن کریم و بررسی بازتاب آن‌ها در آثار هنری از آن روی حائز اهمیت می‌باشد که بر جان و روان مخاطبان تأثیر می‌گذارد و موجب احیاء و توجه دوباره به این آثار می‌شود. نقاشی قهوه‌خانه‌ای، از جمله هنرهایی است که بازتاب این موضوعات را می‌توان در آن پیگیری کرد. هرچند که هنرهای تجسمی در ایران، ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم دینی و مذهبی داشته؛ اما در نقاشی قهوه‌خانه‌ای است که بازتاب موضوعاتی همچون صحرای محشر را در ابعاد بزرگ می‌توان مشاهده کرد. نقاشی قهوه‌خانه‌ای به دست نقاشانی مکتب‌ندیده ‌بوجود آمد. نقاشان قهوه‌خانه‌ای بر مبنای ایمان و باور قلبی خود کار می‌کردند و هنرمندانی برخاسته از مردم بودند که هدف‌شان تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطبان‌ بود. در تابلوی صحرای محشر اثر محمد مدبر می‌توان بازتاب موضوعات اُخروی را تشخیص داد و از جمله می‌توان به ورود حضرت زهرا(س) به صحرای محشر، بهشت، دست بریده‌ی حضرت عباس (ع)، شهیدان کربلا، فرشتگان، مار غاشیه، زنده‌شدن مردگان، میزان عدل، ربا خواران و نامه اعمال اشاره کرد.

1. **پی‌نوشت‌ها**

 نقاش ایرانی 1269-134ش. از پیشگامان نقاشی قهوه‌خانه‌ای به ‌شمار می‌آید. وی نزد پدرش تعلیم دید و تأثیر عمیق آن در آثار وی مشهود است. آثار قوللر آغاسی نسبت به نقاشی‌های محمد مدبر تزئینی‌تر است و قلم‌گیری بیشتری دارد (پاکباز، 1394: 1052). [↑](#endnote-ref-1)
2. و در آن روز کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند و اهل عصیان را از آنچه در نامه‌ی عمل آن‌هاست ترسان و هراسان بینی در حالی‌که با خود گویند؛ ای وای بر ما این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر موئی فرو نگذاشته جز آن‌که همه را احصاء کرده‌است و در آن کتاب همه‌ی اعمال خود را حاضر ببینند (و جزای آن را بیابند) و خدا به هیچکس ستم نخواهد کرد (کهف 49).

**فهرست منابع**

ترجمه فارسی قرآن کریم (1388). مترجم: مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات هلیا.

پاکباز، روئین (1394). دایره‌المعارف هنر، 3جلد، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین (1383) معادشناسی، جلد8، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، چاپ چهارم.

<https://noorlib.ir/book/view/12754?volumeNumber=8&pageNumber=-1&viewType=pdf> (دسترسی 15دی ماه 1400)

چلیپا، کاظم؛ گودرزی، مصطفی؛ شیرازی، علی‌اصغر (1390). تأملاتی درباره موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نگره، شماره 18، صص 69 تا 89.

چلیپا، کاظم و رجبی، علی (1385). حسن اسمعیل‌زاده نقاش مکتب قهوه‌خانه‌ای، تهران: نشر نظر.

رجبی، محمدعلی (1384). مکتب خیالی‌نگاری، گلستان هنر، شماره 2، صص 51 تا 57.

سیف، هادی (1369). نقاشی قهوه‌خانه، تهران: نشر وزارت فرهنگ وآموزش عالی- سازمان میراث فرهنگی کشور.

عبدالحسنی، امیر؛ حامدی محمد حسن (1399). نقاشی قهوه‌خانه گزیده‌ی مقالات و گفت‌وگوها، تهران: انتشارات کتاب آبان.

طیب، سید عبدالحسین (1386). اطیب البیان فی التفسیر القرآن، ج 13، قم: انتشارات سبطین.

مجلسی، محمد باقر (1362)، بحارالانوار، جلد 43، بیروت: موسسه‌الوفا.

<https://noorlib.ir/book/view/1407?volumeNumber=43&pageNumber=219&viewType=pdf> (دسترسی 15دی ماه 1400)

مطهری، مرتضی (1360). قیامت در قرآن؛ جهاد، شماره 28، صص 46 تا 47.

نقی‌زاده، محمد (1391). معنی هنر و صفات هنرمند از منظر قرآن کریم، کتاب ماه هنر، شماره 127، صص 10 تا 23.

نجم، سهیلا (1390). هنر نقالی ایران، تهران: نشر شادرنگ.

نوری، حسین (1370). جهنم، پاسدار اسلام، شماره 117، صص 21 تا 23.

**Analysis of the afterlife themes in the painting of the Sahraye Mahshar by Mohammad Modabber**

Artists who work on Qur'anic themes base their faith and heartfelt beliefs on the creation of works of art. Tea-house works is one of the arts that can be mentioned in this field. One can always follow a manifestation of religious themes in the works of Tea-house painters. Scholars consider the history of religious folk painting in Iran to be from the Safavid era. In the meantime, Tea-house works is a newer stream of curtains, murals of holy shrines, painting behind glass with religious themes, and so on. Tea-house painters narrated national and religious beliefs related to popular culture. The subjects of these paintings include the stories of Ferdowsi Shahnameh, Quranic stories, the events of Karbala and the like. The Iranian imaginative painter thinks of nothing but the satisfaction of the people and the creator, his poor, simple and unpretentious life is proof of this claim. Tea-house is considered to be the origin of this type of painting and their first customers were the owners of Tea-house. Tea-house painters also usually had other jobs such as tiling, plastering, building painting, and so on. In fact, Tea-house painters are illiterate painters who learned painting through experience and through their faith and interest. Respecting professors and veterans have been one of the vital pillars of traditional education. In addition to teaching skills, cultivating moral talents and virtues has always been important, and this led to the training of the artist in the context of principles and beliefs. Among the goals of Tea-house painters is simplicity, frankness and impact on the audience. In this regard, we can point to the support of Tea-house painters for the good forces and certain visual contracts that they use to emphasize this. Tea-house painters use specific contracts to show their moral and ideological motivations. Mohammad Modabber is one of the pioneers of Tea-house works. His works mainly dealt with religious subjects. He became an orphan at the age of seven. At the same age, Mohammad Modabber played the role of Muslem Children in the recitations of the government. At the age of ten or twelve, he became a student of Alireza Qollar and met his son Hossein in his tile workshop. Professor Mohammad Modabber is considered the second founder of Tea-house works. In addition to depicting the events of Karbala and the religious epics, he often sings aloud and as if depicting what he is reciting. In this regard, the present study is faced with the question of how the themes of the Hereafter can be followed in the painting of Sahraye Mahshar by Mohammad Modabber, one of the pioneers of Tea-house works? According to the teachings of Islam, the Day of Judgment is the day when all human beings, by the will of God Almighty, will be presented to God for reckoning. Before the Day of Judgment, there will be changes in the heavens and the earth. It is also emphasized in the Qur'an that the time of resurrection is known only to God. According to the verses of the Holy Quran, the dead will be resurrected on the Day of Judgment by the permission and power of God Almighty and will be gathered for reckoning in the desert. According to the verses of the Holy Quran, the sky and the earth change at this time. The Holy Qur'an describes how human beings are resurrected on this day. By blowing on the trumpets of all the servants except those whom God wills; Die and when blown again into trumpets; They are revived and their actions are taken care of. The painting of the Sacred Desert is a work by Mohammad Modabber in which the themes of the Hereafter are depicted. In this painting, one can recognize the reflection of the issues of the hereafter, such as the entry of Hazrat Zahra (PBUH) into the desert, paradise, the severed hand of Hazrat Abbas (PBUH), the martyrs of Karbala, angels, snakes, resurrection of the dead, the level of justice, Usurers and deeds letter pointed out. At the bottom left, the painter depicts a snake, which creates a curve by considering a space with a black background around it, and the repetition of this curve can be seen in the rest of the work. Applying a dark color in the background of this curve and creating contrast by placing lighter visual elements, attracts the viewer's attention. In this section, in addition to humans, flames are also mentioned. Hellfire is a special fire that does not burn sinners to die and rest, nor are they living beings who can live. In this painting, Mohammad Modabber shows Hazrat Fatima (PBUH) entering the desert and depicts the severed hand of Hazrat Abbas (PBUH) and the martyrs of Karbala in front of him. The works of the prophets are shown in the middle. As mentioned earlier, the prophets of the Imams and the righteous testify to the deeds of human beings and their deeds are a criterion for measuring the deeds of human beings. At the bottom right, the painter depicts the resurrection of the dead while shrouded. In front and in the middle of the painting at the bottom, an angel dressed in green can be seen with the amount of justice written next to it. To the left of this angel, the painter depicts usurers with bulging bellies. Also, at the top of the work on the left, the artist has created Heaven, which is separated from the rest of the composition by a column-like element. The predominant colors in this work are ocher brown, white, green and blue. Every color was revered for Tea-house works. They portrayed the faces of the prophets brightly; Ashqia's face, on the other hand, is usually depicted as dark.

During the Qajar period, the subject of resurrection was depicted on a large scale in the field of Tea-house works. The painting of the Desert by Mohammad Modabber, known as the Tea-house religious painter; It shows this event with the presence of different personalities and according to religious traditions. The research method of the present study is descriptive-analytical. And the information is collected and filmed in a library and organized to answer the research question. Addressing the issues arising from the Holy Quran and examining their reflection in works of art is important because it affects the souls and minds of the audience and causes revival and attention to these works again. Tea-house works are among the arts in which the reflection of these themes can be traced. Although the visual arts in Iran are closely related to religious concepts; But it is in Tea-house works that the reflection of subjects such as Sahra can be seen on a large scale. Tea-house works were created by illiterate painters. In the painting of the Resurrection Desert by Mohammad Modabber, one can recognize the reflection of otherworldly issues, including the entry of Hazrat Zahra (PBUH) into the Sahraye Mahshar, Paradise, the severed hand of Hazrat Abbas (PBUH), the martyrs of Karbala, angels, snakes, live He mentioned the deaths, the level of justice, the usurers and the letter of deeds.

**Keywords:** Tea-house works, The afterlife, Sahraye Mahshar, Mohammad Modabber

**Bibliography**

Persian translation of the Holy Quran (2010). Translator: Mehdi Elahi Ghomshei, Tehran: Helia Publications.

Abdul Hassani, Amir; Hamedi Mohammad Hassan (2021). Coffee House Painting Excerpts from Articles and Discussions, Tehran: Aban Book Publishing.

Pakbaz, Rovin (2016). Encyclopedia of Art, 3 volumes, Tehran: Contemporary Culture Publishing.

Chalipa, Kazem; Goudarzi, Mostafa; Shirazi, Ali Asghar (2912). Reflections on National and Religious Issues in Coffee House Painting, Negre, Summer, No. 18, pp. 69-89.

Chalipa, Kazem and Rajabi, Ali (2007). Hassan Esmailzadeh Painter of a coffee house school, Tehran: Nazar Publishing.

Hosseini Tehrani, Seyed Mohammad Hossein (2005) Resurrection, Volume 8, Mashhad: Allameh Tabatabai Publications, Fourth Edition.

Majlisi, Mohammad Baqir (1984), Baharalanvar, Volume 43, Beirut: Al-Wafa Institute.

Motahari, Morteza (1982). Resurrection in the Quran; Jihad, No. 28, pp. 46-47.

Naghi Zadeh, Mohammad (2013). The meaning of art and the attributes of the artist from the perspective of the Holy Quran, Book of the Month of Art, No. 127, pp. 10-23.

Najm, Soheila (2912). Iranian Narrative Art, Tehran: Shadrang Publishing.

Nouri, Hussein (1992). Hell, Islamic Guards, No. 117, pp. 21-23.

Rajabi, Mohammad Ali (1384). School of Imagination, Golestan Honar, No. 2, pp. 51-57.

Seif, Hadi (1991). Coffee House Painting, Tehran: Published by the Ministry of Culture and Higher Education - Cultural Heritage Organization.

Tayyib, Sayyid Abdul Hussein (2008). Atib al-Bayan fi al-Tafsir al-Quran, vol. 13, Qom: Sebtin Publications. [↑](#endnote-ref-2)